

حسن شرفی، معلم هنر و عضو پژوهشکده تعلیم و تربیت، سال‌هاست که در راستای ارتقای آموزش هنر در کشور قدم بر می‌دارد. وی ضمن همکاری با مؤلفان کتاب‌های هنر دوره راهنمایی، درگروه‌های آموزشی مناطق ۱ و ۳ تهران، چندین الگوی تدریس و برنامه ریزی را با موفقیت پیاده کرده است.

مقاله حاضر، کوتاه شده یکی از آخرین تأثیرات ایشان است که برای کمیسیون ملی آیسوکو (Iranian National Commission for ISESCO) در جمهوری اسلامی ایران نوشته شده و می‌تواند برای معلمان هنر، الهام بخش باشد.



شناخت هنرهای ایرانی - اسلامی از هدف‌های فرهنگی و هنری آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران است.^(۱)

امر خطیر هویت‌یابی دانش آموزان، به توجه بیشتر نسبت به فرهنگ و هنر درن هاد آموزش و پرورش نیازمند است. در حالی که از نظر عملی، در این زمینه کاری اصولی صورت نگرفته است و فراموشی و عدم شکل‌گیری آن در دانش آموزان، زمینه ساز پدیده تردید در خودباوری و بی‌توجهی به فرهنگ و هویت ایرانی - اسلامی شده است. بدین ترتیب، امکان جذب شدن هر چه بیشتر آنان را به فرهنگ و هنر بیگانه فراهم می‌آورد.^(۲)

نتیجه یک پژوهش نشان می‌دهد رابطه‌ای منطقی میان دوره‌های تحصیلی و هویت ملی مشاهده نشده است. جا دارد دست اندرکاران آموزش و پرورش با اتخاذ تدابیر مناسب، به شکل‌دهی هویت هنرهای ایرانی - اسلامی به دانش آموزان اقدام کنند.^(۳)

نقش و نگارهای ایرانی، اسلامی، ساختاری منطقی دارند، به این معنی که با تعدیل و ساده کردن عناصر آن، توانایی تبیین مفاهیم و نقش‌های پیچیده تر برای دانش آموزان فراهم می‌شود. بنابراین با توجه به اصل توالی منطقی پیازه و روش تفکر دیوی، برنامه ریزان درسی خواهان برنامه‌ای هستند که دانش و هنر گذشته را پایه‌ای برای تولید دانش جدید و تکامل هنر گذشته در نظر بگیرد. برای فراهم کردن ساخت منطقی و پرورش اندیشه در فعالیت و محتوای برنامه‌های درسی و نایل شدن به معرفت موجود در آن، باید پیش نیازهای این سازمان دهی منطقی را مشخص کرد و تعلیم داد تا امکان دست یابی به دانش و هنر جدید فراهم شود.

کلید واژه :
هنرهای ایرانی - اسلامی
پرورش اندیشه
نقش و نگارها
سازمان دهی منطقی
ساخت مفهوم

مقدمه

نوشتهام را به این دلیل با بحث فراگیری روش‌های تعلیم هنر در مرکز تربیت معلم و آموزش هنر به دانش آموزان آغاز می‌کنم که نقطه عطف فعالیت‌های هنری و کوشش در کسب مهارت‌های ویژه در این زمینه، به خصوص به روش استاد- شاگردی، خود را مرهون راهنمایی‌های ارزشمند استادان هنرها اسلامی در حین خدمت آموزشی ام می‌دانم. پس از اتمام دوره تربیت معلم، به روستاهای نیشابور رفتم و هم زمان با تدریس، به شناخت هنرها محلی پرداختم. در آن جا بود که هر روز با جلوه‌ای تازه از هنرهاستی روتا آشنا شدم. دانش آموزان روستایی را تشویق می‌کردم تا از روی طرح‌های قالی و گلیم بافت خودشان، نقاشی بکشند و به طور عملی عشق به اصالت هاراتمرین کنند. همان جا بود که یاد گرفتم چطور آن‌ها را با عناصر هنر بومی آشنا کنم. پس از آن که به مشهد مقدس منتقل شدم، دانش آموزان بسیاری را به پابوس امام رضا (ع) بردم و سعی کردم با توضیح و تشریح زیبایی‌های آشکار و هان کاشی کاری حرم، آن‌ها را به بازشناسی نقوش زیبا و صمیمی مساجد و بقاع متبرکه و دارم و رسم لذت بردن از این هنر اصیل ایرانی- اسلامی را به آن‌ها بیاموزم. یکی از دانش آموزان می‌گفت: پس از آموزش‌های شما، هر وقت به حرم می‌روم، علاوه بر لذت معنوی زیارت، با دقت در لطافت‌های نقوش کاشی‌ها، آرامش و لذتی دیگر به من دست می‌دهد که حاصل درس آموزش هنر شماست.

دانش آموزان را به کارگاه‌های طراحی و ساخت نقوش کاشی‌های حرم می‌بردم؛ آن‌ها با نخستین مراحل ساخت کاشی تام‌جموئه نقوش روی بنای‌های مذهبی و تاریخی، آشنا می‌شدند. دانش آموزان تعریف می‌کردند که بعضی از هم شاگردی‌هایشان را در گوشه‌ای از صحن حرم می‌دیدند که از بنای طراحی می‌کنند و عده‌ای دیگر نیز کاغذی را روی نقش‌های کاشی می‌گذارند و با مداد رنگی روی آن می‌کشند تا نقش را بر روی کاغذ منتقل کنند.

در یکی از صحن‌های حرم، موزه و کتابخانه قرار داشت. برای گرفتن سرمشق خوشنویسی و

فراغیری هنر اسلامی گل و بوته از هنرمندان و پیش‌کسوتان هنرها اسلامی‌آستان قدس رضوی، به محضرشان شرفیاب می‌شد. در مسابقات نماز مدرسه، با فراهم کردن تصاویر و کتاب‌هایی از بنای‌های مذهبی و تاریخی و وسائلی مانند کاغذ‌های کادوی طرح دار و نظایر آن، دانش آموزان به روش قطاعی (کلاژ)، بنای‌های مذهبی را در اندازه‌های بزرگ و به صورت دو بعدی می‌ساختند و به جا آوردن نماز و سایر اشکال روحانی را در این مکان‌هانشان می‌دادند. یکی از همین دانش آموزان در مسابقه بین‌المللی شانکار هند برنده جایزه شد.

نمایش فیلم‌های آموزشی نقوش تاریخی، مانند فیلم بازدید دانش آموزان از موزه ملی ایران باستان، باشان دادن سهل‌ها و علامت‌های ویژه از انسان، حیوان و با استفاده از فنون ساخت فیلم و مفهومی کردن موضوع، چگونگی خلق این نمادها را به دانش آموزان نشان می‌دادند.

در راستای تعمیق یادگیری در دانش آموزان، متناسب با متن برنامه کتاب‌های هنر و برای آشنایی با سایر هنرها ملی، دانش آموزان را به نمایشگاه‌های صنایع دستی می‌بردم. در آن جا آنان با اشتیاق فراوان به نقش اندازی‌هایی از روی نقوش برجسته مسی، نقش‌های گلیم و نگارگری از روی صنایع دستی می‌پرداختند.



شکل دهی هویت ملی در این دوره، موفق نبوده است.

بدون تردید راه یابی هنرها ایرانی-اسلامی به مدارس و آشنا ساختن نسل امروز با این هنرها، حرکتی نو در جهت شناخت هویت فرهنگی، تکامل هنر گذشته و قدمی اساسی در راه رسیدن به خود کفایی است. برای کسب تجربه می‌توان دانش آموزان را در ابداع طرح‌های جدید در زمینه کاشی کاری، قالی بافی، آینه کاری، منبت کاری، گل دوزی، شماره دوزی، خاتم کاری، خطوط قدیمی و نظایر آن یاری داد.

هرگز لحظه‌هایی را که نقش‌های ایرانی-اسلامی را به دانش آموزان نشان می‌دادم، فراموش نخواهم کرد، زیرا آنان باتمام وجود، ابراز احساسات می‌کردند. تنوع و تعدد تجربه‌های دانش آموزان در این عرصه به راستی حیرت انگیز و قابل مطالعه است و امکان تصور و ساختن فرم‌های جدید را فراهم می‌سازد. در اینجا سؤال این است که: آیا نمی‌توان تعلیم هنرها ایرانی-اسلامی را از این نقطه آغاز کرد؟ در سازمان دهی محتوای برنامه‌های درسی، با توجه به اصل تقدیم و تأخیر متفقی، نظر روان‌شناسی، مقدم بر نظام متفقی است. دیوین سازمان برنامه درسی را مشتمل بر گذر از علاقه به انضباط می‌داند.

معرفت شناسی و اندیشه‌های تربیتی دیوین و پیازه

از دیدگاه دیوینی، تجربه‌های دانش آموز را که شامل علاقه‌مندی، احساسات و نیازهای این‌گزینه شده است، باید به عنوان نقطه آغاز پذیرفت و تجربه‌های سازمان یافته در قلمروهای دانش را می‌بایستی نقطه پایان این فرآیند دانست.

از نظر دیوینی، آگاه ساختن کودک از میراث بشری یعنی، هدایت تجربیات خام کودک به سنتی که از نظر پختگی و استحکام به تجربیات بزرگسالان میل کند؛ تابراکین در برخورد با موقعیت نامعین، تجسم هایی از تجربیات را در مواجهه با موقعیت‌های پیشین در خود دارد. لذا این تجسم‌های در برخورد با مشکل جدید، به صورت تصور در موقعیت جدید در می‌آید و

دانش آموزان با الهام از نمایشگاه نقوش اسلامی کانون پژوهش فکری کودکان و نوجوانان (مشهد ۱۳۶۸ ه.ش) دفترهای نقش رارنگ آمیزی می‌کردند و با مرحل خلق نقوش اسلامی، آشنا می‌شدند و با استفاده از قطعه‌های هندرسی کاشی مجموعه نقوشی را می‌ساختند. پس از آن طی تجربه‌های بسیار و مداوم به شکل سازی های بسیار، متعدد، خلاق و شورانگیز می‌رسیدند که اختصاص به خودشان داشت.

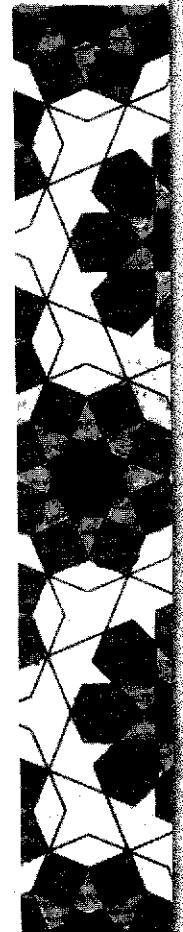
در تهران نیز، با همکاری ادارات آموزش و پژوهش شهر تهران و مناطق یک و سه، برنامه‌ریزی مشترکی انجام دادم که براساس آن، دانش آموزان باراهنمایی معلمان خود و با استفاده از رنگ آمیزی نقوش هندرسی اسلامی، کارت‌های تبریک بسیار زیبایی می‌ساختند.

نقش و نگارها، قسمتی از گنجینه‌ی نظری هنر ایرانی-اسلامی به شمار می‌روند و بخشی مهم از معماری شهرهای قدیم را تشکیل می‌دهند. نمونه‌های بسیار زیبایی آجرکاری و کاشی کاری بیشتر در مساجد و بنایهای مذهبی و تاریخی به چشم می‌خورد. هنرهاستی ما از دیرباز مورد توجه اقوام و ملل گوناگون بوده است و بسیاری از کشورهای صنعتی امروز، پیشرفت‌های خود در زمینه هنر و صنعت را بر پایه مطالعه در آثار هنری ایرانی-اسلامی استوار کرده‌اند.^(۲)

استادان و هنرمندان قدیمی هنوز هم در گوش و کتاب این سرزمین، نگهبانان سنت‌های اصیل و خوب هستند و باید دانش و تجربه‌های آن هارا با استعدادهای کودکان، نوجوانان و جوانان مشتاق در هم آمیخت و شکوفا کرد تا موجبات احیا و تکامل مکاتب هنری ایرانی - اسلامی گذشته فراهم شود. نگاهی به ساخته‌های آن‌ها، گویای این مسئله است که آن‌ها همواره سعی و افراداشتند تاخود، مواد و عناصر موردنیاز را تهیه کنند و به عبارت دیگر خود کفایانند.^(۳)

نتیجه یک پژوهش نشان می‌دهد که فرضیه مبنی بر وجود احساس تعلق به هویت ملی در دانش آموزان دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، تأیید نشده است و رابطه معناداری میان دوره‌های تحصیلی و تعلق به هویت ملی مشاهده نگردیده و تأثیر نظام آموزشی بر

**بدون تردید
راه یابی هنرها
ایرانی-اسلامی
به مدارس و
آشنا نمودن نسل
امروز با این
هنرها، حرکتی
نو در جهت
شناخت هویت
فرهنگی، تکامل
هنر گذشته و
قدمی اساسی در
راه رسیدن به
خود کفایی است**



این شروع، پیدایش اندیشه و تفکر در انسان است.

آنچه از لحاظ معرفت شناسی مهم است، همین فرآیند تفکر، است نه محصول آن که "دانش" خوانده می‌شود. اهمیت داشت تهادر آن است که حاصل تجربیات قبلی را در تشکیل فرضیه‌های بعدی در مواجهه با موقعیت جدید شرکت می‌دهد.^(۶)

نظم منطقی، ناظر به تعیین نظم و ترتیب تجربه‌های یاددهی - یادگیری به گونه‌ای است که به کسب دانش‌ها، مهارت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها متهی می‌شود. یکی از اصول تعیین توالی منطقی در برنامه درسی، مبتنی بر این فرض است که آموزش بایستی از ساده به پیچیده سیر کند. فرضی که در این تئوری نهفته و مربوط به ساختار دانش است، عبارت از این است که فرآگیری داده‌ها و مفاهیم عینی، بنای فرآگیری اصول و مفاهیم ذهنی را فراهم می‌سازد.

اصل توالی منطقی پیاژه هم مشابه همین فرض است و بیان می‌دارد که آموزش باید از عینی به ذهنی باشد. پیاژه نشان داد که کودک پیش از رسیدن به بالاترین مرحله از رشد عقلانی یا همان تفکر انتزاعی، قادر به تفکر یا انجام دادن عملیات ذهنی روی اطلاعات نیست. پیش از ورود به این مرحله، تفکر کودک محدود به عینیات است؛ بر این اساس، توالی منطقی در برنامه درسی، مستلزم تناسب مواد آموزشی با مقتضیات مرحله رشد کودک است.^(۷)

کاربرد این نگرش در طراحی و اجرای برنامه‌های این است که برنامه ریز و معلم باید به سراغ ساخته‌های مفهومی (پیش‌بینی‌های) دانش سازمان یافته مورد نظر بروند.

تحول سلسله مراتبی ساخت مفهوم انسان از طریق درک محرک‌های پیرامون و مجموعه آن‌ها به مفهوم‌های ذهنی دست می‌یابد. اجتماع ادراک‌های انسان در هر مرحله از رشد و یادگیری، ترکیبی است از ادراک‌های قبلی و آنچه در حال حاضر ادراک کند. ادراک‌های گذشته منجر به مفاهیم ذهنی گذشته و ادراک‌های جدید، مفاهیم ذهنی حال

را موجب می‌شوند. مفاهیم گذشته و حال در یک ارتباط خطی از زمان منجر به مفاهیم ذهنی آینده خواهند شد و قابلیت آن را دارند که در برخورد با حرکت‌های جدید بتوان آن‌ها را در ساخت مفهومی جایگزین کرد؛ یعنی ذهن، مجهر به مجموعه‌ای از مفاهیم کلی است که قابلیت تعمیم دارند. بر این اساس انسان خواهد توانست درباره آنچه در آینده پیش خواهد آمد، پیش‌بینی کند و توانی پیش‌بینی باعث خواهد شد تا انسان بتواند برای آینده، طراحی و برنامه‌ریزی نماید.

مفهوم سازی یک پدیده گام به گام و مرحله‌ای است، در واقع، یک روند سلسله مراتبی دارد. در مرحله اول حرک تشخیص داده می‌شود ولذا ابزاری برای معنادادن به ادراک است. در مرحله دوم ادراکات، مفاهیم را شکل می‌دهند. در مرحله سوم ادراکات و مفاهیم گذشته و حال در هم تبین می‌شوند و مفاهیم بعدی را شکل می‌دهند. در مرحله چهارم مفاهیم آینده باشکل دهنی پیش‌بینی هارتباط پیدا می‌کند و در مرحله پنجم طراحی و برنامه‌ریزی است که حاصل مجموعه پیش‌بینی هاست.

منابع و پی‌نوشت‌ها :

۱. مصوب آبان ماه سال ۱۳۷۷ (شصده و بیست و رشمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش).
۲. محبوه امینی و همکاران؛ نقش موزه‌ها در بالا بردن فرهنگ ملی، خودبایری و اعتماد به نفس (دانش آموزان؛ شرای تحقيقيات اداره کل آموزش و پرورش استان تهران، ۱۳۷۵).
۳. سکنه طالبی؛ تحول هویت ملی دانش آموزان در دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوجه شهر تهران؛ فصلنامه تعلیم و تربیت (ویژه نامه جامعه شناسی آموزش و پرورش)، شماره ۶۳، سال ۱۳۷۹.
۴. در مقاله‌ای از مجله روزگار نو، چاپ لندن در سال ۱۹۴۲ آمده است: "... هنر ایران در طرح و نقش و نگار و نیز در طریقه تهیه آثار هنری انگلیسی، خاصه در پارچه‌های این کشور تأثیر بسیار داشته است" شال پیزلمی، شالی با همان نقش معروف "به جقه‌ای" و نقش و نگارهای سنتی ما و با همان نگاه بود که سال‌ها، بازدگان شهری کوچک به همین نام، آن را در اسکاتلندر تولید و به بازار عرضه می‌کردند (دکتر محمد مهدی هراتی، ۱۳۷۱)، دکتر محمد مهدی هراتی، تعلیم هنر برای علم؛ با همکاری دفتر امور کمک آموزشی؛ تهران ۱۳۷۱).
۵. دکتر خسرو یافری و دکتر محمد عطارات؛ فلسفه تعلیم و تربیت معاصر، تهران، انتشارات محراب قلم، ۱۳۷۶.
۶. دکتر محمود مهرمحمدی؛ دانش پیش‌بازار در برنامه درسی، فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۲۲ و ۲۳، تابستان و پاییز ۱۳۶۹.